



امکان‌سنجی استناد به تئوری تعدیل در حقوق ایران به عنوان راهکاری در تعذر قراردادی - روش‌نعلی شکاری، سید مصطفی میلانی
حمایت کیفری از حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی - عادل ساریخانی، مصطفی کرمی پور
تحلیل حق نظارت مردم بر حکومت از دیدگاه علی (علیه السلام) با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم موسی زاده،
محمد صالحی

تاملاتی در تشریح قسامه با توجه به علوم جرم‌یابی - محمدعلی حاجی ده‌آبادی، روح‌الله شمشیری
بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با
تاکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، عارفه کردی نسب،
نفیسه طوسی، آیدا قاسم زاده

اصل منع اعاده پناهندگان از منظر اسناد حقوق بشری با تأکید بر پناه‌جویان زیست‌محیطی - مهناز خرسندی، عسکر جلالیان
خطرات اولویت یافتن مسائل مادی در مشاغل حقوقی - محمد ستایش‌پور، مریم فرجی ترک
احکام و آثار اذن در نظام حقوقی ایران و فرانسه - حسن نجارها
مقایسه رکن مادی جرم کلاهبرداری رایانه‌ای با سنتی - علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی
مبانی نظری حاکم بر کنترل تسلیحات نظامی با تأکید بر مواضع متعارض سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت
تسلیحات نظامی متعارف - پوریا ابراهیم زاده، سمیه رحمانیان

کودک و کودکی از منظر فلسفه و ادبیات - مریم شعبان
اعتبار امر مختوم در دعاوی مدنی و کیفری - امیر محمدی، محمدمهدی حیدری، سهیلا مرادی قلعه
جایگاه شعب تخصصی کوزوو در نظام عدالت کیفری جهانی - مصطفی فضائی، آرش ملک
جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری
اقدامات شرکت‌های خارجی بابت استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در دفاع مقدس از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی -
محمد ستایش‌پور، پرینان شفانی

مروری جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نسبت به پدیده روسپیگری در نظام بین‌الملل و ایران با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی
اسلامی - سید محمدرضا موسوی فرد، اسد اخضری فرد، علی مردان احمدی
تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم - مینا مومنی، سید مهدی احمدی موسوی
حقوق کودکان مهاجر در اسناد ملی و بین‌المللی - رضا خواجه نورالدینی، سیده پریسا میرابی
صلاحیت واقعی قوانین کیفری از منظر حقوق اسلام - مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی
بررسی تغییر از جرائم خیابانی به جرائم سایبری در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ - رویکردی به نظریه فعالیت‌های روزانه - مریم کمائی
جایگاه مأمورین امنیتی انگلستان در کشف جرایم - زهرا وهبی، آرش رزمی

استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین‌مبین اسلام - محمد ستایش‌پور، فاطمه زهرا آسیان
شرایط قانونی و ابعاد حقوقی و کیفری مالکیت فکری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران - سمیه زیلابی، صادق فتیلی، ابراهیم مقدم
امکان‌سنجی تحقق ایده جرم‌انگاری (جرم مسئولیت مدنی مدیران) از تئوری تا عمل بر اساس رویکردهای مدل مسئولیت کیفری
قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها - سید محمدرضا موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، نفیسه دهرویه، محمدرسول انصاری نیا،
ندا حقیقی

ارزیابی فقهی-حقوقی تعدد واقعی در حدود، قصاص و دیات - علی محمدی جورکویه، احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی
جایگاه و نقش مردم در استقرار و استمرار نظام امت و امامت در پرتو آراء شهید بهشتی - محمدصادق داریوند
میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا - صادق فتیلی، محمد فتیلی، ابراهیم مقدم



Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries

بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به‌عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با تأکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی

Sayed Mohammadreza Mousavifard

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran (Corresponding Author)

Hamidreza Norozian

PhD Student in Public Law, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

Arefeh Kordi Nasab

Bachelor of Laws, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

Nafiseh Tosi

Bachelor of Laws, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

Ayda GHasem Zadeh

Bachelor of Laws, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

سید محمدرضا موسوی فرد

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

mousavifard136394@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0001-8735-9363>

حمیدرضا نوروزیان

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

h.norozian1366@gmail.com

عارفه کردی‌نسب

کارشناس حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

arefhekordi2@gmail.com

نقیسه توسی

کارشناس حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

nafisehtosi7559@gmail.com

آیدا قاسم‌زاده

کارشناس حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

aydaghassemzade@yahoo.com

Received: 2022/07/17 - Review: 2022/09/15 - Accepted: 2022/11/10

Abstract

Looking at the philosophy of law, one of the main functions of law is to regulate social relations at every level, which individuals must harmonize with the laws and regulations of the subject. Therefore, those who violate these basic legal rules in any way must be held accountable at every level. In addition to this issue, we come to two-dimensional responsibility, that one dimension of which is the aspect of civil liability of some legal entities (such as governments) in the second place; Sometimes we have to obtain criminal enforcement guarantees for individuals (involved in the case); Why one of the basic principles of criminal law, whether domestic or international, is the need to be accountable for actions and behavior. In this research, according to the description presented with a descriptive-analytical approach, we are looking for a convincing answer to the question that some interactions formed contrary to the rules and order and international peace, which seriously endangers it, should not have reached a level in the world today that reached a level where it can hold such individuals, both real and legal, accountable for their actions, regardless of political issues, by identifying legal responsibilities be questioned?

Keywords: Terrorism, Wahhabism, Foreign Policy, the Responsibility of Governments, Political Leaders.

چکیده

با نگاهی به فلسفه حقوق یکی از کارکردهای اصلی حقوق تنظیم روابط اجتماعی در هر سطحی است که باید افراد خود را با قوانین و مقررات موضوعه هماهنگ سازند. فلذا کسانی که، به هر نحوی این قواعد بنیادین حقوقی را نقض کنند باید در هر سطحی پاسخگو باشند. علی‌الحدال در کنار این مسئله به مسئولیت دوعبده می‌رسیم که یک بعد آن جنبه مسئولیت مدنی بعضی از اشخاص حقوقی (همانند دولت‌ها است) در وهله دوم؛ برخی مواقع لاجرم باید به ضمانت‌های اجرایی کیفری برای اشخاص حقیقی (درگیر در موضوع) دست یازیم؛ چرا یکی از اصول بنیادین حوزه حقوق کیفری اعم از حوزه داخلی یا بین‌المللی ضرورت پاسخگویی در برابر اعمال و رفتار است. در این پژوهش با توجه به شرح ارائه شده با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی یافتن پاسخی قانع‌کننده برای این سؤال هستیم که برخی تعاملات شکل‌گرفته برخلاف قواعد و نظم و صلح بین‌المللی که به صورت جدی آن را به مخاطره می‌اندازد، نباید جهان امروز به سطحی رسیده باشد که چنین افرادی اعم از حقیقی و حقوقی را با توجه به نوع مسئولیت تفکیکی مورد اشاره در مقابل اعمال شان فارغ از مسائل سیاسی با شناسایی مسئولیت‌های حقوقی مورد بازخواست قرار دهد؟

واژگان کلیدی: تروریسم، وهابیت، سیاست خارجی، مسئولیت دولت‌ها، رهبران سیاسی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

ارجاع:

موسوی فرد، سید محمدرضا؛ نوروزیان، حمیدرضا؛ کردی نسب، عارفه؛ طوسی، نفیسه؛ قاسم زاده، آیدا؛ (۱۴۰۱)، بازخوانش تعاملات (برخی گروه‌های مذهبی و بازیگران نظام بین‌الملل) حوزه تروریسم به‌عنوان وسیله دستیابی به منافع ملی با تأکید بر مسئولیت‌های حقوقی در کشورهای اسلامی، تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

امروزه با دقت در واکنش‌های تروریسم به‌عنوان یکی از چالش‌های واقعی در خاورمیانه دیگر اقصی نقاط جهان باید بدین نکته دقت شود که بحث تروریسم و مباحث حول آن پدیده چندوجهی است. باید مباحث حول آن که متأسفانه اکثراً به حمایت‌های بازیگران رسمی نظام بین‌الملل نیز برمی‌گردد ما را به سوی این نکته سوق می‌دهد آیا اکثر اقدامات تروریستی به‌عنوان اقداماتی که دارای جنبه سیاسی یا مقابله‌ای است برمی‌گردد یا وجاهت دیگری برای آن متصور است؟

به‌عنوان سؤال اصلی در این مقاله پژوهشی در قالب این مقدمه مختصر با این مفروض پاسخ می‌دهیم که قطعاً پاسخ سؤال به صورت مطلق نمی‌تواند باشد بلکه برخی از مواقع برخی از تروریست در ظاهر و حتی با شستشوی مغزی با اهداف دینی و معنوی پای در عرصه مبارزه در قالب تروریسم می‌گذارند که در این خصوص برخی فرق مذهبی نیز اقدامات را از نظر شرعی پوشش داده و توجیه می‌کنند. برخی از کشورهای منطقه‌ای در حوزه خاورمیانه با هماهنگی این فرق و همچنین استفاده از احساسات برخی افراد ساده‌لوح عضو گروه‌های تروریستی از آن‌ها در راستای منافع ملی خود در نتیجه پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کنند.

علی‌ایحال در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی پاسخی قانع‌کننده و علمی به‌دوراز هرگونه

تعصبات معمول در جهت اثبات یا رد فرضیه مذکور در حوزه جغرافیایی خاص هستیم. آنچه محرز و مسلم است یک سری مباحث سیاسی و ضرورت‌ها در این خصوص وجود دارد که باعث استفاده از این اسلحه پنهان می‌شود، متأسفانه جان افراد بی‌گناه غیرنظامی را به‌عنوان قربانی تروریسم می‌گیرد این امر را به ضرورت پاسخگویی می‌رساند.

۱- مبانی نظری پژوهش

پس از جنگ جهانی دوم، با فروپاشی نظم جهانی اروپا محور و تثبیت نسبی مرزبندی شبکه‌های منطقه‌ای، به تدریج نظم‌های منطقه‌ای متمایز در اروپا، آفریقا، جهان اسلام، آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز و مابقی نقاط جهان شکل گرفتند اما فرایند امنیتی شدن در همه این مناطق، به طور یکسان پیش نرفته و از این رو، نظم‌های منطقه‌ای، از لحاظ امنیت، ثبات و پویایی، روی یک طیف قرار می‌گیرند. در این میان، جهان اسلام یا به عبارت دقیق‌تر، بخشی عمده از جهان اسلام، به حوزه آشوب و بی‌نظمی تبدیل شده است و دو جریان بزرگ در آن خودنمایی می‌کند: از یک‌سو، حضور قدرت‌های مداخله‌گر در نظم یاد شده، بسیار زیاد است که خود، تغییر نظم جهان اسلام را در دستور کار دارند و از سوی دیگر، حضور گروه‌های ضدسیستمی است که نظم موجود را به رسمیت نمی‌شناسند؛ در این میان، بخشی از این گروه‌ها در داخل جریان نظم مداخله‌گر و همگام با خواسته‌های آن قرار می‌گیرند؛ این در حالی است که بخشی از گروه‌های ضدسیستمی جهان اسلام، جنبه مقاومتی دارند و برای بقا و حفظ گستره‌هایی می‌جنگند که جریان نظم مداخله‌گر یا قدرت‌های هم‌پیمان آن، قصد دارند، آن‌ها را تغییر دهند یا براندازند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲).

با وجود سابقه طولانی، نقطه عطف در تاریخ گروه‌های ضدسیستمی به دوران جنگ سرد و پس از آن، به خصوص پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ باز می‌گردد؛ در این دوره، گروه‌های ضدسیستمی، در سطوح فراملی و فروملی و به اشکال تهاجمی و تدافعی، در نظم‌های منطقه‌ای آشوب و به خصوص در گستره ژئوپلیتیک جهان اسلام شکل گرفته‌اند؛ مصداق گروه‌های ضدسیستمی در این دوره، گروه‌هایی مانند «جنبش ظفار، طالبان، القاعده، النصره، داعش^۱، بوکوحرام، جیش الاسلام، ارتش آزاد سوریه، جیش العدل، جندالله و مجاهدین خلق»، در جایگاه گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی و «حزب‌الله، حوثی‌های یمن و گروه‌های مقاومت فلسطینی»،

۱- اکثر این گروه‌ها تحت تأثیر اندیشه‌های وهابیت‌اند که در ادامه مراتب ردپای چنین اندیشه‌هایی را در ریل‌گذاری این گروه‌های تروریستی در خدمت منافع برخی کشورها به خوبی می‌بینیم.

به‌عنوان گروه‌های ضدسیستمی تدافعی هستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲).

نظریات دیگری از ساختارگرایان نواقع‌گرا وجود دارد که سعی وافری دارند تا نشان دهند که تروریسم اسلامی پس از دوران فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خود را توسعه بخشیده است. به طور نمونه در کارهای برت هسن و همکاران وی که از روش شناخت نواقع‌گرایی ساختاری استفاده می‌نمایند، بر این موضوع تأکید شده که پس از پایان جنگ سرد، نظم هژمونی تک‌قطبی باعث ایجاد شیوع ارزش‌گذاری قطب‌برنده جنگ سرد شده و ارزش‌های قطب‌برنده (آمریکا) شامل: لیبرال دموکراسی، اقتصاد آزاد، تجارت جهانی سبب لطمه مادی و اجتماعی به گروه‌های تندور و اسلام‌گرا گردیده و این گروه‌ها را به سوی موازنه سخت با جهان مدرن و استفاده از ابزارهای تروریستی برای پیشبرد هدف خود سوق داده است (هسن و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۳۳).

یکی دیگر از مؤلفه‌های ساختارگرایی را می‌توان در هژمونی و امنیت منطقه‌ای است فروپاشی شوروی باعث کاهش اهمیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برای هژمونی آمریکا و متحدان آن در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو و متحدان آن شد که عدم توجه دولت‌های مزبور به ترتیبات امنیتی این منطقه را در پی داشت. از طرفی دیگر، فروپاشی شوروی که باعث لطمه به گروه‌های تروریستی اسلامی^۲ در این منطقه شد، به دلیل کم‌توجهی دولت‌های متحد دو قطب در منازعات جنگ سرد و عدم کمک‌های مالی و تسلیحاتی به این گروه‌ها وضعیت بقا این گروه‌ها در منطقه خاورمیانه را با هاله‌ای از ابهام مواجه کرد. این گروه‌ها، از این پس توسط دولت‌های حامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله پاکستان، عربستان، قطر، لیبی و در بعضی اوقات توسط عراق (صدام حسین) مورد حمایت معنوی و مادی قرار گرفت و در رقابت‌های فرقه‌گرایانه منطقه‌ای نقش عمده‌ای را ایفا کرد. نتیجتاً رقابت‌های منطقه‌ای بین قدرت‌های منطقه‌ای یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری و حمایت از این نوع تروریسم برای کشورهایی است که با تروریسم برخورد ابزار گونه می‌کنند.

گروه‌های تروریستی هرچند عمیقاً تحت تأثیر عوامل مادی بحث شده می‌باشند، اما نبایستی از نقش ابزارشدگی^۳ این گروه‌ها توسط دولت‌های حامی تروریسم^۴ غافل بود. بهره‌گیری از این گروه‌ها در تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش ابزاری این گروه‌ها در جهان مدرن را آشکار می‌کند. این گروه‌ها

2- Islamic Terrorist Groups

3- The role of Instrumentation

4- Governments that Support Terrorism

هرچند به جهت جزمیت‌های ذهنی در تقابل با دنیای مدرن هستند اما استفاده هدفمند از این گروه‌ها^۵ در مناقشات بین‌المللی خالی از عریضه نیست. (Byman, 2005, 53)

۲- ماهیت حقوقی سیاسی تروریسم

تروریسم واژه‌ای است که از فرهنگ غرب وارد واژگان زبان فارسی شده است؛ به طوری که حتی در برخی

۵- مداخله در امور داخلی کشورها که به نقض حاکمیت دولت هدف می‌انجامد، به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که گاهی به صورت مستقیم و اعزام نیروهای نظامی کلاسیک و گاهی به صورت غیرمستقیم و با تجهیز و تسلیح نیروهای معارض داخلی و حتی اعزام نیروهای مسلح شبه‌نظامی بیگانه نمود پیدا می‌کند. براساس اطلاعات و اخبار دریافتی از رسانه‌های مختلف، آنچه در سوریه اتفاق افتاده و در جریان است، این واقعیت است که برخی از کشورهای عربی منطقه و فرمانطقه صراحتاً به تسلیح گروه‌های معارض در سوریه رسماً اعتراف نموده و سلاح‌های پیشرفته‌ای در اختیار گروه‌های معارض مسلح قرار داده‌اند. برخی از این گروه‌ها، گروه‌های معارض سوری هستند و برخی دیگر از سایر کشورهای منطقه و حتی از کشورهای عربی شمال آفریقا به سوریه اعزام می‌شوند. بدون تردید از منظر حقوق بین‌الملل این امر نقض فاحش حاکمیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت سوریه است. حاکمیت و استقلال سیاسی یک کشور و عدم مداخله در امور داخلی کشورها از جمله قواعد بنیادین و آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بنابراین برخی اقداماتی که از سوی کشورهای خارجی در سوریه ارتکاب می‌یابد، نقض فاحش تعهدات بین‌المللی بوده و موجب مسئولیت بین‌المللی آن‌ها است. در پاسخ بدین سؤال باید گفت: آیا کشوری حق دارد با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از گروه‌های معارض در امور داخلی کشور دیگری برای براندازی حکومت وقت مداخله نموده و نیروهایی را از کشورهای دیگر جهت کمک به نیروهای معارض داخلی اعزام نماید، باید خاطر نشان ساخت که براساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، این اقدامات نقض فاحش اصل عدم مداخله در امور داخلی کشور موردنظر محسوب می‌شود و اصولاً تعیین نوع نظام سیاسی و انتخاب رهبران و مقامات ارشد آن نظام، از طریق مذاکرات سیاسی و برگزاری انتخابات همگانی در اعمال حق تعیین سرنوشت توسط آحاد ملت صورت می‌گیرد که البته با درجه رشد و ارتقاء سطح فرهنگ سیاسی آن جامعه مرتبط است. مداخله خارجی در این امر حتی اگر با نیت کمک به مردم صورت گرفته باشد، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت، و بلکه با پیچیده‌تر نمودن وضعیت امکان تفاهم و سازش بین گروه‌های مختلف سیاسی و نیز با حکومت وقت را دشوار و چه بسا غیرممکن می‌نماید. در خصوص قابلیت انتساب اقدامات گروه‌های مسلح معارض به کشورهای خارجی حمایت‌کننده باید بگوییم: براساس برخی آرای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله رای صادره در قضیه «نیکاراگوئه» در سال ۱۹۸۶ میلادی و نیز رای سال ۲۰۰۷ این دیوان در پرونده اعمال کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی، الزاماً همه اقدامات غیرانسانی و ناقض حقوق بشر دوستانه‌ای که توسط گروه‌های مسلح در سوریه ارتکاب می‌یابد، به دولت‌های حامی و تجهیزکننده گروه‌های مسلح قابل انتساب نیست، چرا که دیوان در آرای مورد اشاره معیار کنترل مؤثر را برای قابلیت انتساب اقدامات و رفتارهای گروه‌های معارض به دولت حمایت و تجهیزکننده اعمال می‌کند. اما حتی اگر برخی از اقدامات تروریستی و نیز نقض حقوق بشر و بشردوستانه ارتکابی توسط گروه‌های مسلح معارض به این کشورها به دلیل این که به دستور این دولت‌ها اقدام نموده و تحت کنترل آن‌ها نیستند، قابل انتساب نباشد، نفس کمک مالی، تجهیز و تسلیح این گروه‌ها و آموزش و اعزام گروه‌های مسلح بیگانه و تروریستی به سوریه موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌های خارجی را فراهم می‌کند.

از فرهنگ‌های معتبر لغت فارسی نظیر فرهنگ معین نیز یافت نمی‌شود. در فرهنگ‌های انگلیسی «تروریسم» از ریشه لاتین terror به معنی ترس شدید و وحشت است. ترور مأخوذ از زبان فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است که در فارسی متداول شده است. این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده است و تروریست به شخصی اطلاق می‌شود: «با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود» (هادویان، ۱۳۸۲، ۳۱).

هنوز حتی به لحاظ نظری هم یک وحدت نظری در این خصوص وجود ندارد، به طوری که تا به حال هیچ صاحب‌نظری جرئت این ادعا را نداشته که تعریفی جامع‌و‌مانع از تروریسم ارائه کرده است. از جمله معروف‌ترین پژوهشگران تروریسم همانند «الکس اشمید» و «والتر لاکوئر» آن‌ها فقط ادعا کرده‌اند که در خصوص تروریسم فعلاً توانسته‌اند طرح مسئله کنند. نهادهای بین‌المللی همانند سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها از جمله اتحادیه اروپا و... تنها توانسته‌اند صرفاً بر روی مصادیق آن به توافق برسند که این اعمال جزء اعمال تروریستی‌اند (جلیلیان و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۶۴).

پدیده تروریسم من‌حیث‌المجموع، اقدامی سیاسی است که یکایک افراد با مشارکت یکدیگر بدان مبادرت می‌ورزند و به طور جمعی می‌کوشند تا رفتارهای خود را توجیه کنند، این توجیحات بیانگر ارزش‌های اجتماعی غالب است و نمی‌توان رفتارهای فردی و گروهی را از آن مجزا دانست (کرنشاو، ۱۳۸۱، ۹). در تعاریف دیگری آمده افراد در پی پذیرفتن یک ایدئولوژی موجه و هماهنگ با شرایط خود به یک گروه می‌پیوندند که در پی یک هویت‌یابی و پذیرش اهداف و آرمان‌های گروه، وسایل تحقق اهداف از سوی گروه در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود، با این هدف وسیله توجیه شده از سوی ایدئولوژی موردنظر، ارتکاب هر نوع رفتار نامتعارف و خشن را برای فرد آسان می‌کند. گروه‌های تروریستی در راستای ضربه زدن و تحت‌فشار گذاشتن برخی دولت‌ها به اقدامات خشونت‌آمیز روی می‌آورند. البته این بدان معنا نیست که دولت‌ها از به‌کارگیری شیوه‌های تروریستی مصون هستند، بلکه برخی نیز از شیوه‌های تروریستی در برخورد با فعالان سیاسی و ناراضیان حکومتی استفاده نموده‌اند (کریمی پاشاکی و علیزاده، ۱۳۸۸، ۷۷).

در خصوص تعریف تروریسم از منظر سیاسی و تا حدودی حقوق بین‌الملل یکسری اصول اصلی وجود دارد که براساس آن‌ها و استانداردهای مطروحه به یک سری معیار مشترک در تعریف و شناسایی تروریسم می‌رسیم. هرچند در منابع دیگر یک سری اصول موازی و گاه متعارض ذکر شده است (موسوی فرد، ۱۳۹۷، ۲۵). علی‌ایحال این اصول و معیارها عبارتند از: اولاً: در نظام حقوق بین‌الملل، تعریف جامع و متفق‌علیه در مورد تروریسم وجود ندارد. ثانیاً: با در نظر گرفتن اسناد بین‌المللی عناصر اصلی مفهوم

تروریسم عبارت است از: کاربرد یا تهدید به کاربرد ابزارهای خشونت‌آمیز؛ وجود قصد ارباب همه مردم یا یک گروه خاص؛ رسیدن به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک. ثالثاً: براساس تعاریف موجود، بسیاری از اقدامات برخی از دولت‌های مختلف حامی تروریسم نیز در اقصی نقاط جهان مصداق تروریسم یا حمایت عملی از آن است. رابعاً: برای تمایز تروریسم از مبارزات ملل تحت ستم به منظور آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده خود، حتماً باید قید «غیرقانونی» یا «غیرمشروع» را به کاربرد ابزارهای خشونت‌آمیز افزود (هادویان، ۱۳۸۲، ۲۹).

پس همان‌طوری که در عنصر مادی جرائم تروریستی^۶ نیز اشاره بدان شد معمولاً جرائم تروریستی به‌عنوان جرائم سازمان‌یافته^۷ از آن‌ها یاد می‌شود که بحث هدف مشترک در آن نقش اساسی بازی می‌کند تعریف شده‌اند؛ هویت‌ها اغلب پروژه‌هایی مشخص و سیاسی هستند که در آن‌ها مشارکت می‌نمایند (Craig, 1994). ایجاد یک هویت^۸ صرفاً توسط مکانیسم روانی صرف ممکن نیست بلکه ایجاد یک هویت یک فرایند اجتماعی^۹ است و کشف دوباره خود را به واسطه فرایندهای جمعی ممکن می‌سازد، تولید هویت، یک جزء ضروری عمل جمعی است که کار ویژه‌های یکی‌سازی بازیگران درگیر در منازعه، به کار انداختن روابط اعتماد زامیان آن‌ها و برقراری پیوند میان وقایع را انجام می‌دهد (دلپورتا، ۱۳۸۴، ۱۲۹).

۳- جریان‌شناسی انحرافی (مختصر)

آنچه به طور رسمی در گزارش‌ها و منابع وجود دارد، نشان می‌دهد گرایش‌های سلفی افراطی خاستگاه گروه‌های عرب افغان و پس از آن گروه‌های القاعده و داعش بوده است. اندیشه‌های سلفی اسلامی قرابت زیادی با روایت وهابی از اسلام دارد که ابتدا در عرب‌های افغان انسجام یافت؛ گروه‌هایی که برای مقابله با اشغال افغانستان توسط شوروی از سوی دولت‌های آمریکا، برخی دول منطقه مورد حمایت قرار گرفتند. بازگشت عرب‌های افغان به سرزمین‌های افغان، حلقه دومی را در این مسیر ایجاد می‌کند که به جای جنگ با دشمنان، شعار مبارزه با کفار نزدیک و دور را مطرح می‌کند و در القاعده متبلور می‌شود و پس از آن به عراق و سوریه می‌رود و نهایتاً به صورت دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متجلی می‌شود. نقطه مشترک وهابیت و سلفیت افراطی، بحث تکفیر است، آن هم تکفیر مسلمین. در میان عرب‌های

6- The material Element of Terrorist Crimes

7- Organized Crime

8- Create an Identity

9- A social Process

افغان و حتی القاعده، بودند افرادی که وارد مقوله تکفیر مسلمین یا شیعیان نمی‌شدند، اما در حلقه سوم، یعنی القاعده عراق و سوریه شاهد تکفیر فراگیر مسلمین توسط همه اعضای این گروه‌ها هستیم. در واقع، تکفیر مسلمین حتی مسلمین اهل سنت، نقطه اشتراک وهابیت با گروه‌های افراطی تکفیری است؛ تروریسم تکفیری که در قالب داعش، النصره و جیش‌الاسلام در سوریه و عراق مانند وهابیت، کسی غیر از خود را مسلمان نمی‌داند و بر این اساس، ریختن خون غیرخود را مباح می‌شمارد. تکفیر مسلمین بارها در فتاوی‌های علمای وهابی صادر شده و حتی پیش از تشکیل عربستان، قبایل وهابی مانند آل‌سعود هزاران مسلمان اهل سنت را به قتل رساندند. امروز نیز ما شاهد فتاوی‌های انگیزشی فراوان علمای وهابی مستقر در عربستان هستیم برای برانگیختن افراد به عضویت در القاعده، النصره و جیش‌الاسلام است. این موضوع در فضای مجازی آکنده است و این علما به صورت رسمی در فلان کشور چنین فتاوی‌هایی را صادر کرده‌اند. این افراد همچنین مقوله جهاد نکاح را فتوا دادند که با همه مسلمانات اسلامی مغایرت دارد. چهره‌های شناخته شده وهابی همچنین وارد سوریه شدند و سخنرانی‌های مفصلی براساس روایت وهابی و برای پشتیبانی فکری و معنوی نیروهای خود به منظور جهاد با مسلمانان دیگر اعم از شیعه و سنی ایراد کردند. در هر حال حتی رسانه‌های همسو با دولت‌های عربی نیز بدین مسئله معترف اند: سعودی با ترویج قرائت وهابی از اسلام^{۱۰}، نقش برجسته‌ای در تأمین ساختار... استناد به گفته‌های رهبران برجسته سلفی وهابیت مانند ابن تیمیه، ابن قیم و محمد... به طور رسمی عامل ترویج تندوری اسلامی و مشوق تروریسم اسلامی بوده است^{۱۱}.

۴- بهره‌برداری از تروریسم اسلحه پنهان سیاست خارجی

کنش جمعی گروه‌ها به دست یازیدن و کنترل منابع، نیازمند است که چنین فرایندی به بسیج تعبیر می‌شود؛ این منابع، دربردارنده طیفی وسیع از جمله نیروهای انسانی، کالا، تسلیحات و... است که در راستای منافع بسیج گران قرار می‌گیرد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۹). در واقع، بسیج، معرف فرایندی است که براساس آن، یک گروه از حالت انزوا و انفعال و از حاشیه به متن زندگی عمومی انتقال می‌یابد و به کنش‌گری اثرگذار تبدیل می‌شود (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۰۴). این تعریف را در مورد کشورهای حامی می‌توان

۱۰- در دوران جدید در عربستان سعودی چرخشی جدی در رابطه خاندان حاکم و علمای وهابی به وجود خواهد آمد. سعودی نقش ایدئولوژی وهابی را در عربستان کم رنگ بسازد و به حاشیه بکشانند. محصول گسترش گفت‌وگو سلفیت در جهان اسلام است.

به نقل از: <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-43681209>

11- <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-43526343>

چنین قابل مصداق دانست؛ برخی از کشورهای منطقه دقیقاً در این حالت قرار دارند و نوعاً از منظر سیاست‌های داخلی همچنین سیاست‌های اصولی منطقه‌ای و بین‌المللی به بن‌بست کامل خورده‌اند در نتیجه مزوی شده‌اند و در انزوای کامل قرار گرفته‌اند بسیج کردن منابع غیرمعمول همچون ابزار تروریسم یکی از رویکردها و سلاح‌های پنهان ایشان برای خروج از بن‌بست سیاسی محسوب می‌شود. بسیج، جریانی است که یک واحد اجتماعی را قادر می‌سازد تا به سرعت بر منابعی که پیش از آن از چنته گروه خارج بوده و مفقود به نظر می‌رسیدند، مسلط شود و آن‌ها را در ید اختیار خود بگیرد (بشیره، ۱۳۸۷، ۷۹). این نظریه، ماهیت سیاسی جنبش‌های اجتماعی را برجسته می‌کند و آن را ستیزی برای دستیابی به کالاها در کارزار سیاست و قدرت تعبیر می‌کند (کریمی پاشاکی و عزیزاده، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

البته باید به نوعی این نظر را تا حدودی گسترش داد برخی از این گروه‌ها که خود را نمایندگان جریانات سیاسی مخالف و گهگاه مذهبی نشان می‌دهند نوعاً ماهیتی مستقل ندارند و با نوعی پنهان‌کاری و ظاهرسازی رنگ و لعاب‌دار به‌عنوان نیروهای پنهان قدرت‌های بزرگ عمل می‌کنند با بررسی اکثر حرکات میدانی آن‌ها و فعل و انفعالات این گروه‌ها می‌توان در خدمت‌بودن ایشان را کاملاً به اثبات رساند. بسیج را می‌توان «تلاش‌های تاکتیکی» یک گروه برای بهره‌مندی از منابع و امکانات به منظور تحقق بخشیدن به اهداف راهبردی و فعلیت بخشیدن خود دانست.

از این منظر می‌توان واحدهای اجتماعی (ید پنهان قدرت‌ها) برای این امر را می‌توان در کشورهای حامی تروریسم کاملاً یافت، به‌زعم اولسون و آبرشال، بسیج، مجموعه برنامه‌ها و اقدام‌هایی را دربرمی‌گیرد که برای پیگیری اهداف جنبش صورت می‌پذیرند. به میزانی که آن اهداف از نظر هواداران، باارزش باشند و امکان دستیابی بدان‌ها با صرف هزینه‌هایی زیاد، همراه نباشد، حاملان جنبش، قادر خواهند بود عده‌ای بیشتر را به جنبش جذب کنند و امکان پیروزی بیشتر است؛ براساس این نظریه، یک جنبش اجتماعی یا کنش جمعی، زمانی می‌تواند به صورت جدی شکل بگیرد و به موفقیت، نائل آید که از منابع مهم از جمله، تصویر مردمی مثبت، بهره‌مند باشد و بتواند ائتلاف‌سازی کند؛ در این نظریه بر این نکته تأکید می‌شود که عبور از موقعیت به کنش، به «در دسترس بودن منابع و تغییرهایی در فرصت‌های لازم برای کنش جمعی»، مشروط است؛ این نظریه، با مفروض انگاشتن موضوع‌ها، کنشگران و محدودیت‌ها، بر این که «چگونه کنشگران برای رسیدن به اهداف شان راهبردها را اتخاذ می‌کنند» تکیه می‌کند؛ بنابراین بر عقلایی بودن بازیگر تأکید دارد.

یکی از عوامل مؤثر در فرایند بسیج، ماهیت نهادهای سیاسی است؛ به این معنا که میان نحوه آرایش فضایی جامعه و چگونگی جنبش‌های اجتماعی آن، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ برای نمونه، هرچه عدم تمرکز فضایی و کارکردی نظام سیاسی بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که جنبش‌های اجتماعی، «کارآمدتر، مستقل‌تر و مؤثرتر» باشند. طبق نظر مرتون در نظریه بسیج منابع، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های عقلایی‌اند که اهدافی خاص را تعقیب می‌کنند و راهبردها و تدابیری گوناگون برای کسب حمایت برمی‌گزینند؛ طبق این نظریه، شکل‌گیری جنبش‌ها فقط به وجود نارضایتی‌های گسترده، مشروط نیست بلکه به وجود سازمان‌هایی بستگی دارد که نارضایتی‌ها را به کنش متمرکز بسترسازی و هدایت کنند؛ از مفروض‌های اساسی این نظریه، آن است که موفقیت گروه از این طریق سنجش می‌شود که «آیا یک بازیگر شناخته شده است یا خیر یا این که منافع و دستاوردهای آن افزایش را نشان می‌دهد یا نه؟» (کریمی پاشاکی و علیزاده، ۱۳۸۸، ۱۴۷).

علی‌الیه برای این بسیج کردن نوعی گفتمان‌سازی و مشروع‌سازی لازم است، اینجا است که تروریسم ایدئولوژیک به‌عنوان یک راهبرد بسیج منابع در جهت خدمت به منافع برخی دولت‌ها گام برمی‌دارد در واقع، همان‌گونه که دورکیم معتقد است، انسان‌ها برای رهایی از تنهایی و بی‌معنایی خود به سادگی، جذب ایدئولوژی‌ها می‌شوند و از این‌رو، بسیاری از افراد برای معنا بخشی به خود، به طرف گروه‌های تکفیری جذب می‌شوند و بدین صورت، خود را تعریف می‌کنند؛ بنابراین از خودیگانگی که به تعبیر دورکیم از تمایز نشأت می‌گیرد، بروز کنش جمعی آنومیک و نابهنجار را در قالب گروه‌های تکفیری در پی داشته است. تحقیقی که روی ۲۰۳۲ تن از اعضای گروه‌های تکفیری انجامید، از آن حکایت می‌کند که اغلب آنان برای اشتهار و اعتبار و هویت و به رسمیت شناخته شدن، به تکفیری‌ها ملحق شدند، این خود یک بستر برای عضویت این گروه‌ها تروریستی است (Kardas & Ozdemir, 2014, 12).

۵- مسئولیت‌های بین‌المللی حقوقی سیاسی دولت‌ها

یکی از جنبه‌های مهم حاکمیت جنبه مسئولیت آن و به‌عنوان یک سلبی است؛ بدین معنا که حاکمیت نباید صرفاً به‌عنوان یک مقوله مزیت تلقی شود و متضمن هیچ‌گونه تکلیف و وظیفه‌ای نباشد، بلکه این مفهوم متضمن تعهدات و تکالیفی نیز می‌باشد (Ronzoni, 2012, 2) که این همان وضعیتی است که مسئولیت به دنبال دارد که ما در این جا حاکمیت را مثابه مسئولیت^{۱۲} می‌دانیم؛ این وضعیت برای دولت‌ها در نقش

بین‌المللی^{۱۳} تعهدات و تکالیفی را به دنبال دارد و باید بالتبع آن‌ها پاسخگوی عملکرد خود^{۱۴} نیز باشند. قواعد مسئولیت دولت‌ها در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ تدوین شد. در طرح مذکور چنین آمده است: هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت است (آغاجری، ۱۳۸۸، ۱۱۶۲). بنابراین اگر دولتی، گروه‌های مسلح را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه دولت‌های خارجی اجیر کرده و به نحوی از انحاء مختلف از گروه‌های مسلح حمایت کند مسئول عمل فوق خواهد بود.

در منابع و قوانین و مقررات بین‌المللی و همچنین عرف بین‌المللی در خصوص مبارزه فراگیر با پدیده تروریسم دولت‌ها دو وظیفه کلی و عام دارند که باید بدان پایبند باشند. یکی از مهم‌ترین وظایف که منطبق با این واقعیت موضوع پژوهشی داشته باشد پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع جرم و خسارت^{۱۵} است. مفهوم حق شخص بر دریافت غرامت با اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ وارد حقوق بین‌الملل شد، امروزه این مفهوم مورد پذیرش قرار گرفته است که قربانیان جنایات بین‌المللی می‌توانند غرامت دریافت کنند. در گزارش نهایی مخبر ویژه سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر، در سال ۱۹۹۹ حق قربانیان جنایات بین‌المللی بر جبران خسارت وارده در اشکال دریافت غرامت، ترمیم، رضایت و ضمانت‌هایی مبنی بر عدم تکرار پیش‌بینی شده است تشکیل کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد، در راستای اجرای این اصل در چهارچوب جنایت بر ضد صلح است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان یکی از منابع مهم حقوق کیفری بین‌المللی، در ماده (۷۵) دیوان تحت عنوان پرداخت خسارت به قربانیان^{۱۶} به نحوه گنجاندن این الزام در حکم و نقش قربانیان پرداخته است مراتب در حکم دیوان کیفری

13- Governments in an International Role

14- Responsible for your Performance

15- Predicting and Preventing Crime and Damage

۱۶- در این ماده آمده است: دیوان راجع به جبران خسارات مجنی‌علیهم یا در ارتباط با آنان قواعدی کلی از جمله استرداد، غرامت و اعاده وضع به حال سابق را مقرر خواهد کرد. بر این اساس، دیوان در رأی خود می‌تواند بنا به درخواست ذینفع و یا در شرایط خاصی رأساً، حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطماتی که به مجنی‌علیهم و یا در ارتباط با آنان وارد آمده را معین نماید و قواعد کلی را که بر پایه آن‌ها عمل می‌نماید، بیان خواهد کرد دیوان می‌تواند مستقیماً دستوری علیه محکوم‌علیه صادر نموده و نحوه مناسب جبران خسارات مجنی‌علیهم و یا در ارتباط با آنان را از جمله استرداد، غرامت و یا اعاده وضع به حال سابق معین نماید. دیوان می‌تواند در صورت اقتضاء دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارات از طریق صندوق امانی موضوع ماده ۷۹ صورت گیرد.

باید قید گردد (سادات اسدی، ۱۳۸۸، ۷۴).

بالاخره به رسمیت نشناختن گروه‌های تروریستی مسلح معارض علیه دیگر کشورها به اسم مخالف با اغراض سیاسی و توجیه همکاری با آنان مهم‌ترین راهکار جهت تبیین مسئولیت عینی دولت‌ها در قبال مسئولیت آن‌ها در خصوص گروه‌های تروریستی است. تلاش در جهت رسیدن به یک ضابطه عینی و تعریف مشخص می‌تواند بسیاری اختلافات بین‌المللی را در این خصوص حل کند. برخوردهای دوگانه نظام بین‌الملل در قالب شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار با دولت‌ها در قبال پدیده تروریسم، مهم‌ترین خطر جدی پیش روی جامعه جهانی محسوب می‌شود؛ اما در خصوص مسئولیت عام و بین‌المللی دولت‌ها در سطح نظام بین‌المللی در موقع نقض قواعد آمر بین‌المللی حقوق کیفری بین‌المللی به صراحت مسئولیت کیفری برای دولت‌ها را مورد شناسایی قرار نداده است. مهم‌ترین سند در این خصوص به طرح مسئولیت است که در آن تعریفی از مسئولیت دولت‌ها تا حدودی ارائه شده است. طبق ماده ۲ طرح مسئولیت: «فعل متخلفانه بین‌المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و به‌عنوان نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود.» مسئولیت زمانی محقق می‌شود که به موجب حقوق بین‌الملل، قابل انتساب به یک دولت باشد؛ نقض یک تعهد بین‌المللی باشد (موسوی فرد، ۱۳۹۷، ۱۳۸).

۶- ضمانت‌های اجرای کیفری بین‌المللی

با در نظر گرفتن خطر این گروه‌ها برای صلح و امنیت جهانی و ممنوعیت‌های بین‌المللی همچنان شاهد حمایت‌های مادی و معنوی برخی از رهبران (برخی دول منطقه) از پدیده شوم تروریسم هستیم. قابلیت احراز مسئولیت کیفری ایشان و طرح این مسئولیت ذیل عناوین مجرمانه جنایات ضدبشریت و جنایات جنگی در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری قابل بحث بوده و براساس مبانی نظریه نوین تلفیق تقصیر مدیران ارشد و سیاست‌های شخص حقوقی و همچنین تسری آموزه‌های اقدامات مجرمانه مشترک^{۱۷} و تسری رهیافت بین‌المللی عدالت انتقالی (مسئولیت کیفری متأخر ناشی از اقدامات بین‌المللی) رهبران عالی رتبه سیاسی قابل رسیدگی واقعی است (رهامی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۱۹).

یکی از مصادیقی که می‌توان تحت این عنوان کیفری به جرم انگاری اقدامات تروریستی حامیان حقیقی و حقوقی آنان استناد کرد جنایت علیه بشریت است که در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

بدان و مصادیقش پرداخته شده است. دقیقاً به مسائلی همانند قتل، ریشه‌کن کردن، بردگی گرفتن، اخراج و انتقال اجباری و... اشاره دارد. همگی موارد ذکر شده از مصادیق اقدامات تروریستی^{۱۸} است (موسوی فرد، ۱۴۰۰، ۴۸۳). البته با توجه به رویکردها و ظرفیت‌های حقوق کیفری بین‌المللی^{۱۹} قابلیت‌های دیگری برای جرم‌انگاری و امکان‌سنجی این کار وجود دارد.

۷- مسئولیت سیاسی و حقوقی فرق انحرافی ریل گذار تروریسم

یکی از جنایاتی که بدون تردید در میدان تروریسم تکفیری شاهد آن بودیم و آراء و فتاوی‌های مفتی‌های سلفی وهابی (تکفیری) نقش مستقیم در آن دارد نسل‌کشی است؛ این جرم در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از جرائم داخل در صلاحیت رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری شده است.^{۲۰} در ماده ۶ اساسنامه به تعریف و مصادیق آن پرداخته شده است.^{۲۱} نسل‌کشی به اقدامات مجرمانه‌ای اطلاق می‌گردد که به قصد نابودی تمام یا بخشی از گروه‌های ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی صورت می‌گیرد. اسناد بین‌المللی متعددی من‌جمله: کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) و «اساسنامه رم» در حمایت از موجودیت گروه‌های مزبور به تصویب رسیده که تدابیر تقنینی و قضایی لازم را برای پیشگیری از اقدامات فوق و محاکمه و مجازات عاملان آن مقرر نموده‌اند. این وضعیت تا جایی پیش رفته که شناسایی و محکومیت نسل‌کشی، به‌عنوان جرم بین‌المللی مورد اهتمام در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، به مثابه قاعده‌آمره به رسمیت شناخته شده است (نمایان، ۱۳۹۰، ۷۰).

به‌رحال، نسل‌کشی مفهومی ناظر به جرم خاص نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از اقدامات مجرمانه

18- Examples of Terrorist Acts

19- International Criminal Law

20- See: Article (5) Crimes within the jurisdiction of the Court: The jurisdiction of the Court shall be limited to the most serious crimes of concern to the international community as a whole. The Court has jurisdiction in accordance with this Statute with respect to the following crimes: (a) The crime of genocide; (b) Crimes against humanity; (c) War crimes; (d) The crime of aggression.

21- See: Article (6) Genocide: For the purpose of this Statute, "genocide" means any of the following acts committed with intent to destroy, in whole or in part, a national, ethnical, racial or religious group, as such: (a) Killing members of the group; (b) Causing serious bodily or mental harm to members of the group; (c) Deliberately inflicting on the group conditions of life calculated to bring about its physical destruction in whole or in part; (d) Imposing measures intended to prevent births within the group; (e) Forcibly transferring children of the group to another group.

است که به طور معمول در سطحی وسیع و گسترده، به قصد نابودی کل یا بخشی از گروه‌های هدف صورت می‌پذیرد (اردیلی و همکاران، ۱۳۸۵، ۹) و (فخر، ۱۳۸۷، ۱۸۹). اما در دکتین‌های مختلف این فرضیه یعنی شمول اقدامات تروریستی در داخل جنایت نسل‌کشی را مورد تردید قرار داده‌اند: اما با در نظر قراردادن مؤلفه‌های جریان‌های ایدئولوژیک (مقدمه تروریسم) همانند وهابیت سلفی که گروه‌های تروریستی تکفیری به عنوان بازوهای اجرایی اندیشه‌های ایشان هستند این امر کاملاً مصداق آن است. اما در این نقدها در دکتین‌های مختلف چنین تشریح شده است: قراردادن تروریسم در چهارچوب نسل‌زدایی دشوار به نظر می‌رسد و تعقیب آن از این منظر، چندان مفید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در نسل‌زدایی، برای عوامل غیردولتی دشوار است مرتکب قصد نابودی یک اجتماع را دارد. معمولاً که این‌گونه جنایات را بر مبنای معیاری که دولت بر قصد خاص نسل‌زدایی داشته باشد، به انجام برسانند.

در نظر دیگر چنین آمده است: به نظر می‌رسد اقدامات تروریستی ویژه، در چهارچوب شرایط و مصادیق نسل‌کشی، قابل احراز باشند. هر چند بعید است چنین اعمالی واجد شرایط و مصادیق نسل‌کشی باشند؛ یعنی با قصد نابودی کلی یا جزئی گروه ملی، قومی، نژادی، یا مذهبی واقع شده باشند تا بتوان نسل‌کشی قلمداد نمود (Fry, 2002, 153).

به نظر ما در این جا اطلاق مصداقی دارد. اما در پاسخ به این مخالفین باید گفت: با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و تغییر کردن شرایط و دگرگونی نوع تروریسم که رخ داده است با بررسی برخی از مبانی اندیشه‌های تروریسم از نوع ایدئولوژیک دقیقاً در می‌یابیم که اتفاقاً هدف از اقدامات تروریستی تکفیری در اکثر مواقع تصفیه مذهبی است؛ در جاهایی که به بهانه شرک به خدا مفهوم شرک توسعه پیدا می‌کند و به گروهی از افراد تروریست (ظاهرین) مجوز شرعی اعطاء می‌شود که به نام دین پیروان ادیان و مذاهب دیگر را به بهانه شرک‌شدن به قتل برسانند و در فتاوی‌های خویش اعلام می‌کنند که خون ایشان مباح است دقیقاً منظور و هدف جنایت نسل‌کشی (تسویه نژادی مذهبی مخالفان به دلیل این که به اصطلاح شرک‌شده) را محقق ساخته است.

در ذیل ماده ۶ اساسنامه جنایت نسل‌کشی یا ژنوسید چنین تعریف شده است: منظور از نسل‌کشی در این اساسنامه، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد^{۲۲}... نکته کلیدی که باعث می‌شود اقدامات

۲۲- این امر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی کیفری به‌عنوان یکی از مصادیق مورد توجه قرار گرفته است. نگاه کنید:

تروریستی تکفیری در ذیل جنایات ژنوسید مطرح شود این مسئله است که گفتمان اصلی این جریانات مبارزه و جواز در قتل پیروان ادیان و مذاهب مختلف مخالف اندیشه‌های ایشان است که آن‌ها را به شرکت به خدا متهم می‌کنند و به نوعی مخالفین و شیعیان را بدعت‌گذار در دین معرفی می‌کنند که این دقیقاً در ذیل ماده شش و تعریف آن به (عامل نابودن کردن... به قصد تمامی یا بخشی از... گروه مذهبی) اشاره کرده است که در بسیاری از اظهارنظرهایی که وهابیان سلفی داشته‌اند، بدین مسئله یعنی از بین بردن شیعیان به عنوان رافضی و بدعت‌گذار در دین تأکید داشته‌اند.

اما در خصوص نظر مخالفان باید گفت: ایشان در دسته‌بندی گروه‌های تروریستی به صورت عام و صرفاً با اهداف و انگیزه‌های سیاسی که معمولاً در تعریف این گروه‌ها آمده است توجه خود را مبذول داشته‌اند، این که قربانیان تروریسم در این دیدگاه از نظر نژاد، مذهب و... فرقی ندارد، از این مشرب به قضیه نگاه کنیم تروریسم از مصادیق نسل‌کشی در آن نیامده است. این در حالی است که نسل‌کشی را در منابع شدیدترین نقض حقوق بشر^{۲۳} و مجازات آن را سنگین‌ترین مسئولیت جامعه بین‌المللی دانسته شرط اساسی عدم وقوع نسل‌کشی را در نظارت دقیق و اجرای حقوق بشر دانسته است اما با سیری در مصادیق ذکر شده ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان به قتل اعضای گروه و یا ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه در قالب قتل عام‌های گسترده ایزدیان، شیعیان و... توسط گروه‌های تکفیری اشاره کرد. در نتیجه چنین اقدامات وحشیانه‌ای که انجام شده، صدمات جسمانی و روحی فوق‌العاده شدیدی برای قربانیان آن به دنبال داشته است. این اقدامات تروریستی با تشویق‌ها و تحریکات انگیزشی مفتیان سلفی وهابی، جهت احیای دین به اصطلاح اسلام واقعی (خلافت) و زدودن بدعت‌ها از نظام اسلامی بوده است.

1-1) Look at: Genocide: For the purpose of this Statute, "genocide" means any of the following acts committed with intent to destroy, in whole or in part, a national, ethnical, racial or religious group, as such....

۲۳- شورای حقوق بشر با یادآوری این که نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممکن است به نسل‌کشی منجر شود با تأیید اهمیت نظام حقوق بشر ملل متحد در تلاش برای پیشگیری از اوضاعی که ممکن است نسل‌کشی رخ دهد از دولت‌ها خواسته برای پیشگیری از وقوع نسل‌کشی، در تقویت همکاری مقتضی با نهادهایی که در کشف سریع و پیشگیری از نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بشر ممکن است منجر به نسل‌کشی شود، فعال‌اند همیاری کنند و همچنین بر اهمیت نقش نظام حقوق بشر سازمان ملل برای گردآوری اطلاعات مربوط به نقض گسترده با احتمال وقوع نسل‌کشی تأکید کرده است.

24- HRS/RES/7/25, 41st meeting, 28 March 2008, paras. 4 and 11 pre. also paras. 6 and 10 dis.

در خصوص نحوه احراز مسئولیت کیفری مفتیان به عنوان اشخاص حقیقی حامی گروه‌های تروریستی تکفیری به ماده ۲۵ اساسنامه دیوان در باب نحوه احراز مسئولیت کیفری^{۲۵} استناد می‌کنیم. در بند (ع) بخش سوم ذیل ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دقیقاً و با صراحت به مسئله فوق‌الذکر اشاره شده است. در این بند قانون‌گذار کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری افراد مشوق جنایت نسل‌کشی را چنین تشریح می‌نماید: در مورد نسل‌کشی، مستقیماً و آشکارا دیگری را برای ارتکاب بدان تشویق می‌کند... در اینجا است که با صراحت آشکاری که در بند ذیل ماده ۲۵ وجود دارد می‌توان مسئولیت کیفری مفتی‌های مؤثر در جریان این نسل‌کشی را مورد بازخواست قرارداد و محاکمه کرد هر چند که این امر با توجه به حمایت‌های سیاسی که پشت سر این دست از مفتی‌ها وجود دارد به سادگی امکان‌پذیر نیست ولی اظهار من الشمس است: به راحتی می‌توان این مسئولیت را متوجه ایشان دانست. یا در بندهای دیگر ذیل ماده ۲۵ به آمده است: ارتکاب به جرم مذکور را دستور داده است، خواسته یا تشویق کرده باشد^{۲۶}...

25- See Article (25): Individual criminal responsibility: 3-1) The Court shall have jurisdiction over natural persons pursuant to this Statute. 3-2) a person who commits a crime within the jurisdiction of the Court shall be individually responsible and liable for punishment in accordance with this Statute. 3-3) In accordance with this Statute, a person shall be criminally responsible and liable for punishment for a crime within the jurisdiction of the Court if that person. (a) Commits such a crime, whether as an individual, jointly with another or through another person, regardless of whether that other person is criminally responsible; (b) Orders, solicits or induces the commission of such a crime which in fact occurs or is attempted; (c) For the purpose of facilitating the commission of such a crime, aids, abets or otherwise assists in its commission or its attempted commission, including providing the means for its commission:

- (d) In any other way contributes to the commission or attempted commission of such a crime by a group of persons acting with a common purpose. Such contribution shall be intentional and shall either. (i) Be made with the aim of furthering the criminal activity or criminal purpose of the group, where such activity or purpose involves the commission of a crime within the jurisdiction of the Court; or (ii) Be made in the knowledge of the intention of the group to commit the crime; (e) In respect of the crime of genocide, directly and publicly incites others to commit genocide; (f) Attempts to commit such a crime by taking action that commence its execution by means of a substantial step, but the crime does not occur because of circumstances independent of the person's intentions. However, a person who abandons the effort to commit the crime or otherwise prevents the completion of the crime shall not be liable for punishment under this Statute for the attempt to commit that crime if that person completely and voluntarily gave up the criminal purpose. 3) Bis. In respect of the crime of aggression, the provisions of this article shall apply only to persons in a position effectively to exercise control over or to direct the political or military action of a State. 4) No provision in this Statute relating to individual criminal responsibility shall affect the responsibility of States under international law.

۲۶- جهت مطالعه بیشتر شرایط نحوه احراز مسئولیت کیفری در اساسنامه دادگاه رم نگاه کنید به بندهای ذیل ماده ۲۵.

با توجه به تأکیدات شورای حقوق بشر و به‌عنوان یک سند بین‌المللی نیز ثبت شده است؛ در قالب پیشگیری از وقوع جرم نسل‌کشی نیز بخواهیم به مسئله بنگریم سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی غیردولتی که در این حوزه فعال‌اند نیز سکوت قابل‌تأملی در این مسئله مهم داشتند که هرچند این نیز خود جای بحث‌های فراوانی دارد ولی چون که از بحث ما خارج است از آن گذر می‌کنیم. حداقل نتیجه نظری که در این بحث می‌توان گرفت چنین مطرح می‌کنیم: با توجه به آموزه‌های حقوق کیفری بین‌المللی در ماده ۲۵ اساسنامه دادگاه رم در خصوص شرایط احراز مسئولیت کیفری و در نظر گرفتن ظاهر و صراحت بند (e) بخش سوم ذیل ماده مذکور، به استناد آموزه‌های نامتعارف جریانات موجود سلفی وهابی که امروزه ریل‌گذار شرعی اقدامات تروریستی تکفیری به بهانه مشرک‌بودن و تکفیر پیروان دیگر ادیان و مذاهب مخالف آنان بر عهده دارند به صراحت بخش دیگری از بندهای ذیل ماده ۲۵ که اشعار داشته است ارتکاب به جرم (به دستور) یا (خواسته فرد) باشد. برخی از مفتیان به صراحت از مبارزه با یک گروه مذهبی خاص به نام جهاد نام می‌برند این تفاسیر نیز یک عقیده دانست، جواب قطعاً منفی خواهد بود چرا که اگر قطعه‌های این پازل را کنار هم قرار دهیم به این برنامه نانوخته اما از پیش تعیین شده می‌رسیم. حتی اگر این برنامه را یک برنامه از پیش تعیین شده ندانیم که داخل در نسل‌کشی محسوب می‌شود آیا نمی‌شود در قالب برنامه‌های پیشگیری از جرم نسل‌کشی با آن مبارزه کرد؟ مبارزه با نسل‌کشی و در راستای پیشگیری از وقوع آن نیز است.

در این چهارچوب سیاست پیشگیرانه سازمان در قبال نسل‌کشی در قالب مبارزه با تهدیدات علیه صلح، اقدامات ناقض صلح و تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی است. پرسش اساسی این است که سازوکارهای جلوگیری یا رفع تهدیدات علیه صلح، متوقف ساختن اقدام ناقض صلح یا وضعیت‌هایی که منجر به نقض صلح شود کدام‌اند؟ (جاوید زاده، ۱۳۹۰، ۸).

۸- برخی دول حامی علل و ضرورت‌های سیاسی حمایت در نقض قواعد بین‌المللی

وقتی به شخصی اعم از حقیقی یا اشخاص حقوقی اتهامی وارد می‌شود، برای رسیدن به نتیجه منطبق با عدالت باید اتهامات حول این شخص را به اثبات رساند. بالتبع موارد تخلف را به نوعی دقیق مشخص نمود. حال با توجه به محدودیت‌هایی که حول اشخاص حقوقی از نوع دولت‌ها متصور است، بررسی موارد نقض و تخلفات بین‌المللی این دولت‌ها به صورت موردی و مصداقی امری تقریباً محال و شدنی در واقع نیست و در صلاحیت مراجع رسمی است؛ اما با این کیفیت می‌شود؛ براساس واقعیت‌های موجود و

بده بستان‌های سیاسی به استناد منابع بی‌طرف حداقل از لحاظ نظری و تئوریک تخلفات گسترده برخی دولت‌ها از قواعد آمره بین‌المللی و عدول از تعهدات بین‌المللی آنان را به اثبات رساند. این در حالی است که برای پی به این رابطه باید به یک منطق عقلانی استناد کنیم تا بتوانیم با مستمسک قراردادن آن رابطه بین دول حامی و گروه‌های تروریستی تکفیری را در نگاه اول توجیه عقلانی کرده و در نگاه دوم به استناد این رابطه تخلفات حامیان را منطبق با قواعد حقوق بین‌المللی تطبیق دهیم. بدین کیفیت هم عنصر مادی، هم عنصر روانی در جرائم و اقدامات تروریستی سازمان‌یافته دولتی با تکفیری‌ها آشکار می‌شود ضمن آن رابطه سببیت و علی معلولی نیز برقرار می‌شود. نتیجتاً براساس منطق حقوقی مسئولیت این دولت‌ها را با توجه این تخلفات می‌توان اثبات شده فرض نماییم.

آنچه در این رهگذر از نظر مطالعات حقوقی می‌تواند راهگشای مسیر باشد را در دو مورد از موارد حقوق موضوعه بین‌المللی خلاصه کرده‌ایم و به‌عنوان منبع حقوقی سنجش تخلفات دولت‌ها در حمایت از تروریسم تکفیری به‌عنوان میزان مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین سند الزام‌آوری که در خصوص تروریسم وجود دارد بدون تردید قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد با قدرت اجرایی الزام‌آور ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد است که بدان استناد خواهیم نمود. دومین سندی حقوقی که در این مبحث مورد مذاقه قرار گرفته به‌عنوان تنها سند رسمی مسئولیت دولت‌ها در نظام بین‌الملل است و آن هم طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ میلادی است. دقیقاً تخلفات دولت‌های حامی تروریسم منطبق با واقعیات قانونی مندرج در آن منعکس شده است.

امروزه شاهد وحشیانه‌ترین اقدامات تروریستی در حق بشریت به نام دین از سوی گروه‌های تروریستی تکفیری هستیم که محصول سیاست‌ها و حمایت‌های برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است که از این پدیده به‌عنوان یکی از ابزارهای پنهان سیاست خارجی در جهت پیشبرد منافع ملی و بین‌المللی خود استفاده می‌کنند. می‌توان این امر را به بازی خطرناکی تشبیه کرد که روزی گریبان خویشتن را نیز خواهد گرفت و همین امر متأسفانه واقعیت کنونی کشورهای خاورمیانه است که در قالب چند کشور قابل بحث و بررسی است که در این جا ما بدان ائتلاف غربی-عربی اطلاق می‌نماییم. در واقع میدان جنگ تروریسم تکفیری که امروزه شاهد آن هستیم، بازیگران خارجی به دلیل منافع استراتژیک شعله‌های جنگ تروریستی را برانگیخته‌اند و دوره‌ای از خشونت‌ها را به بار آورده‌اند که بازیگران داخلی نیز در آن گرفتار شده‌اند (Asseburg and Heiko, 2013). بدین کیفیت بسیاری از تکفیری‌ها که در

میدان تروریسم حضور دارند محصول بسیج جنگجویان خارجی هستند که در آغاز درگیری‌ها تعدادشان افزایش یافته و با عضویت در سازمان‌های تکفیری آن‌ها را توانمند می‌سازند (Aron, 2012, 21). این رویارویی قدرت‌ها و دیگر کشورها در میدان تروریسم تکفیری تا حدی است که برخی آنان را چنین تشبیه کرده‌اند: میدان نبرد تروریسم تکفیری یک جنگ عادی نیست، بلکه میدانی است که هم‌زمان چندین جنگ را پوشش می‌دهد (Ossorio, 2013, 15).

اکثر کشورهای حامی تروریسم دارای دو رسالت بین‌المللی مشترک و اهداف ملی هستند، هدف بین‌المللی عمده آنان حفظ نظم موجود نظام بین‌المللی با محوریت غرب است. این رسالت عظیم که بر عهده این دولت‌ها است به صورت نیابتی به گروه‌های تروریستی تکفیری در منطقه محول شده است؛ اما هریک از بازیگران این عرصه که امروزه به نقش آفرینی به‌عنوان حامل در میدان تکفیری مشغول هستند علاوه بر این هدف عمده و رسالت عظیم بین‌المللی برای خود تعریف کرده‌اند؛ اما در راستای منافع ملی این کشورها در حمایت از تروریسم تکفیری اهداف ملی را نیز دنبال می‌کنند.

مهم‌ترین مانعی که یک خطر جدی و عمده در قبال تهدید حفظ وضع موجود در سطح بین‌المللی و منافع ملی برخی کشورها در سطح منطقه شده است و تروریسم تکفیری به‌عنوان یک وسیله در جهت مبارزه و کنترل آن از سوی دول حامی استفاده می‌شود، به‌عنوان مهم‌ترین ضرورت توجیه‌گر حمایت از تروریسم تکفیری نیز در این جنگ نیابتی شده چیزی نیست جزء مقابله و مبارزه با ائتلاف محور مقاومت و شرق دربردارنده گروهی دیگر از بازیگران نظام بین‌المللی است که خواهان بر هم خورد وضع موجود و برپایی نظم نوین جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی هستند. بدین صورت است که پازل تقابل نیابتی در استفاده ابزاری از تکفیریان و حمایت در یک جبهه به نام ائتلاف غربی-عربی و همچنین مبارزه در جبهه مقابل یعنی ائتلاف محور مقاومت و شرق شکل گرفته و تکمیل می‌گردد؛ اما در خصوص کشورهای ائتلاف غربی-عربی می‌توان به برخی از کشورها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در عرصه که در راستای منافع هم عمل می‌کنند اشاره کرد (شوسودفسکی، ۱۳۹۲، ۵۹).

نتیجه

در این مقاله پژوهشی همان‌طوری که در مقدمه بحث عرض شد در پی یافتن پاسخی منطقی و قانع‌کننده برای این سؤال هستیم مبنی بر این که آیا اکثر اقدامات تروریستی به‌عنوان اقداماتی که دارای جنبه سیاسی یا مقابله‌ای است بر می‌گردد یا وجاهت دیگری برای آن متصور است؟ آنچه که از همان ابتدا متصور بود

در قالب فرضیه تحقیقاتی نیز متصور بوده این مسئله است که برخی فرق انحرافی همانند وهابیت نقش بسیار مؤثری در تولید اندیشه‌ها و اقدامات تروریستی دارند بدین کیفیت که برخی از افراد تروریست بعد از دستگیری وقتی از آن‌ها سؤال شده است چرا در این اقدامات تروریستی فعالیت می‌کنید با اهداف مذهبی که از قبل در قالب شستشوی مغزی آن‌ها باور کرده‌اند یا بدین عرصه گذاشته‌اند، این روی سکه ظاهری گروه‌ها و اقدامات تروریستی که برای جذب نیروهای میدانی و مجری این سیاست‌ها است درحالی که روی پنهان سکه چیز دیگری است برخی از کشورها بنا به دلایلی که به صورت خلاصه وار و موجز بدان اشاراتی داشتیم با هماهنگی مفتی‌های وهابی و بده بستان‌هایی که در پشت پرده انجام می‌شود بحث تروریسم را در راستای تأمین منافع ملی آن کشورها و پیشبرد اولویت‌های سیاست خارجی آن‌ها پیش می‌برند.

با توجه به این که این اقدام نقض تمامی قواعد حاکم بر نظام بشری و در وهله اول حفظ صلح و امنیت جهانی و مباحث حقوق بشری را هدف قرار می‌دهد پس باید با دست یازی به رویکردها و قوانین موجود با در نظر گرفتن مسئولیت‌های سیاسی و حقوقی برای افراد حقیقی و حقوقی که به نوعی درگیر در این قضیه هستند به نوعی ضمن این که این افراد را در مقابل اقدامات شان پاسخگو کرد بلکه نوعاً پیشگیری برای دیگران در سطح نظام بین‌الملل نیز محسوب می‌شود. پس رسیدن به منافع ملی در سطح سیاست خارجی نباید با هر وسیله‌ای توجیه شود وقتی هزینه برای این افراد بالا رود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آغاچری، بهزاد، ۱۳۸۸، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال خشونت‌آمیز در چهارچوب تروریسم،

فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.

- اردبیلی، محمدعلی؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ فخریناب، حسین، ۱۳۸۵، نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری

آن، **فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴۷.**

- بشیریه، حسین، ۱۳۸۷، **انقلاب و بسیج سیاسی**، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تیلی، چارلز، ۱۳۸۵، **از بسیج تا انقلاب** ترجمه علی مرشدی‌زاد، چاپ اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- جلیان، فاطمه؛ متقی، ابراهیم؛ ظهیری، صمد، ۱۳۸۷، تروریسم جنبش‌های اجتماعی و سیاسی جدید، **فصلنامه سیاست**، شماره ۱.
- دلاپورتا، دینا، ۱۳۸۴، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- قاسمی و عین‌اللهی معصوم، فرهاد و بهزاد، ۱۳۹۵، شکل‌گیری گروه‌های ضدسیستمی در شبکه ژئوپلیتیک جهان اسلام، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، شماره ۴.
- جاویدزاده، حمیدرضا، ۱۳۹۰، سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی، **فصلنامه پژوهش حقوق**، شماره ۳۳.
- سادات اسدی، لایلا، ۱۳۸۸، جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی کیفری بین‌المللی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۸.
- شوسودوفسکی، مایکل، ۱۳۹۲، علت اصلی جنگ آمریکا علیه سوریه، ترجمه مهشید الوندی، **مجله سیاحت غرب**، شماره ۱۱۰.
- فخر، حسین، ۱۳۸۷، مفهوم نسل‌کشی در پرتو رأی دادگاه بین‌المللی رواندا، **مجموعه مقالات همایش حقوق و چالش‌های آن**، تهیه و تنظیم غلامرضا خواجهی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی.
- کرنشاو، مارتا، ۱۳۸۱، **منطق تروریسم رفتار سیاسی محصول انتخاب استراتژیک**، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران، بی‌نا.
- کریمی پاشاکی، سجاد و علیزاده، عمران، ۱۳۸۸، تروریسم، مذهب و چالش‌های فراروی حقوق بشر، **دوفصلنامه حقوق مرکز مطالعات حقوق بشر**، شماره ۲.
- رهامی، محسن؛ موسوی فرد، سیدمحمدرضا؛ سید مرتضی حسینی، راحله، ۱۳۹۵، مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی رتبه سیاسی، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۳.
- موسوی فرد، سیدمحمدرضا، ۱۳۹۷، **مسئولیت کیفری گروه‌های تروریستی و علل حمایت از آن**،

چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا، ۱۴۰۰، امکان سنجی شناسایی مسئولیت کیفری سیاست‌گذاران (وهابی) و مجریان حقیقی دولت‌های حامی تروریسم با تأکید بر رویکردهای سیاسی و حقوقی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه، **فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، شماره ۱۳.

- نمایان، پیمان، ۱۳۹۰، صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱.

- هادویان، غلامحسین، ۱۳۸۲، مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن، **مجله مصباح**، شماره ۴۵.

- هنسن، برت؛ تافت، پیتر؛ ویول، آندره، ۱۳۹۰، **راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکائی: قدرت از دست رفته**، ترجمه احمد جانسیز و سید امیر نیاکوئی، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.

لاتین

- Asseburg, Musiel & Heiko Immen, 2013, the Civil war in Syrian and the impotence of International Politic, Lit verlage.
- Byman, Daniel, 2005, Deadly Connections: States that Sponsor Terrorism, New York: Cambridge University press Publisher.
- Caring, Calhoun, 1994, Social theory and the politics fidentity, Oxford Cambridge, MA: Black well.
- Kardas, Tuncay & Omer Behram Ozdemir, 2014, The Making of European Foreign Fighters Identity, Social Media and Virtual Radicalization, Seta: Foundation for Political, Economic and Social Research.
- Ronzoni Miriam, 2012, Two Conception of State Sovereignty and Their implications for Global Institution see: availability for this articles <http://www.tandfonline.com/doi/pdf/0.1080/1369823020>.
- Fry James D, 2002, Terrorism as a Crime Against Humanity and Genocide: The Backdoor to Universal Jurisdiction UCLAJ. Int'll & for Aff. Spring/Summer, Vol 7. No/69.
- Loud Aron, 2012, Syrian, Jihadism Swedish Institute of International Affairs, No. 13
- Ossorio, Ignacio Aivarez, 2013, the civil warin in Syria Evolution and outlook of the Syrian Crisis, Mediterranean year book.
- Nuruzzaman Mohammad, 2013, the Responsibility to protect, Doctrine: Revived in Libya, Buried in Syria, Inshigh Turkey, Spring, Vol/15 Issue 2.

- Feasibility of Referring to Adjustment Theory in Iranian Law as a Solution in Contractual Excuse - [Roshan Ali Shekari](#), [Sayyed Mostafa Milani](#)
- Criminal Protection of the Rights of Future Generations in International Documents - [Adel Sarikhani](#), [Mostafa Karami Pour](#)
- Analysis of the Right of the People to Control the Government from the Point of View of Ali (PBUH) by Looking at the Constitution of the Islamic Republic of Iran - [Ebrahim Musazadeh](#), [Mohammad Salehi](#)
- Reflections on the Legislation of Oath (Qassameh) According to the Science of Criminalistics - [Mohammad Ali Hajidehabadi](#), [Ruhollah Shamshiri](#)
- Rereading Interactions (Some Religious Groups and Actors in the International System) the Field of Terrorism as a Means of Achieving National Interests with an Emphasis on Legal Responsibilities in Islamic Countries - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Arefeh Kordi Nasab](#), [Nafiseh Tosi](#), [Ayda GHasem Zadeh](#)
- The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees - [Mahnaz Khorsandi](#), [Asgar Jalalian](#)
- Dangers of Prioritizing Financial Issues in Legal Professions - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Maryam Faraji Tark](#)
- The Rulings and Effects of Permission in the Legal System of Iran and France - [Hasan Najjarha](#)
- Comparison of the Actus Reus of the Crime of Computer Fraud with Traditional - [Ali Paidarfard](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#), [Ahmadreza Emtehani](#)
- Theoretical Foundations of Military Weapons Equipment Control with an Emphasis on Contradictory Stands of UN and WTO on Conventional Military Weapons Trade - [Pouria Ebrahimzadeh](#), [Somayeh Rahmanian](#)
- Child and Childhood from the Perspective of Philosophy and Literature - [Maryam SHA'ban](#)
- Validity of Sealed Order in Civil and Criminal Cases - [Amir Mohammadi](#), [Mohammadmahdi Heydari](#), [Soheyla Moradi GHaleh](#)
- The Status of the Kosovo Specialist Branches in Global Criminal Justice System - [Mostafa Fazaeli](#), [Arash Maleki](#)
- Criminalization of Informing the Contrary in Iranian Law - [Saeed Asadzadeh](#), [Fatemeh Ahadi](#), [Mojtaba Kanjori](#)
- The Actions of Foreign Companies Regarding Iraq's Use of Chemical Weapons in Holy Defense from the Perspective of International Responsibility Rights - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Pamian Shafae](#)
- Sociological and Criminological Review of the Phenomenon of Prostitution in the International System and Iran with Emphasis on the Teachings of Islamic Criminology - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Asad Akhzari Fard](#), [Ali Mardan Ahmadi](#)
- The Police's Interaction with the Crime Prevention Institutions - [Mina Momeni](#), [Sayyed Mahdi Ahmadi Musavi](#)
- Immigrant Children's Rights in National and International Documents - [Reza Khaje Nooredini](#), [Sayede Parisa Mirabi](#)
- The Real Competency of Criminal Laws from the Perspective of Islamic Law - [Mostafa Karami Pour](#), [Mona Rajabzade Baghi](#)
- Exploring the Shift from Physical to Cybercrime at the Onset of the COVID-19 Pandemic with an Approach to Routine Activity Theory - [Maryam Kamaei](#)
- The Position of British Security Officers in the Detection of Crimes - [Zahra Vahabi](#), [Arash Razmi](#)
- The Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of Islam - [Mohammad Setayesh Pur](#), [Fatemeh Zahra Aslan](#)
- Legal Conditions and Legal and Criminal Dimensions of Intellectual Property in the Legal System of the Islamic Republic of Iran - [Somayeh Zilabi](#), [Sadeh Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)
- Feasibility Study of the Realization of the Idea of Criminalization (Crime of Civil Liability of Managers) from Theory to Practice Based on the Approaches of the Model of Criminal Responsibility Model of the Law of Strategic Action to Cancel of Sanctions - [Sayyed Mohammadreza Mousavifard](#), [Hamidreza Norozian](#), [Nafiseh Dharovieh](#), [Mohammad Rasol Ansari Nia](#), [Neda Haghghi](#)
- Jurisprudential-Legal Evaluation of the Real Multiplicity in the Hodood, Retaliation and Diat - [Ali Mohammadi Jurkoye](#), [Ahmadreza Emtehani](#), [Javad Naderi ooj Boghzi](#)
- The Position and Role of the People in the Establishment and Continuation of Ummat and Imamat System In the Light of Martyr Beheshti's Opinions - [Mohammad Sadeq Darivand](#)
- Mediation, Participatory Justice System, Third Generation Criminal Justice System and the Rights of Parties the Lawsuit - [Sadeh Fetili](#), [Mohammad Fetili](#), [Ebrahim Moghaddam](#)